

بررسی تعارض میان رویه‌های حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای

هدی شکیب‌منش* زهرا عباسی**

پذیرش: ۹۲/۲/۱۰

دریافت: ۹۱/۴/۲۰

موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای / سازمان جهانی تجارت / تفاهم‌نامه حل اختلاف

چکیده

امروزه موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای موسوم به (RTAs)^۱ به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر سیستم تجارت بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که هیچ قاعده کلی‌ای برای اولویت تفاهم‌نامه حل اختلاف^۲ در سازمان جهانی تجارت بر موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای وجود ندارد، لذا پیشنهاد می‌شود رویه‌های حل و فصل اختلافات اصلاح شده و تحت شرایط خاصی حل اختلاف به‌عهد یک هیأت حل اختلاف گذاشته شود. در این مقاله، رویه‌های حل اختلافات در چارچوب سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مقایسه می‌شود. بخش اول مقاله به رویه‌های حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت، توصیه‌ها و احکام و نحوه اجرای آن‌ها اختصاص دارد.

*. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
hoda.shakib@gmail.com

Zabbasi57@gmail.com

** عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
هدی شکیب‌منش، مسئول مکاتبات.

1. Regional trade agreements (RTAs)

۲. Dispute Settlement Understanding (DSU) تفاهم‌نامه سازمان جهانی تجارت درباره قواعد و رویه‌های حاکم بر حل و فصل اختلافات.

سپس به چند مورد از اختلاف‌های پیش آمده در برخی موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای اشاره شده و در آخر، راهکارهایی برای رفع تعارض در حل اختلافات پیشنهاد می‌شود.



طبقه‌بندی JEL: F53، K49، K33



مقدمه

سابقه بروز موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای به قبل از قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد؛ زمانی که دولت‌ها از رومی‌ها گرفته تا عثمانی‌ها و بریتانیا با استفاده از زور و قدرت، مناطق نفوذ یا مستعمرات خود را گسترش می‌دادند تا بازرگانان‌شان بتوانند به بازارهای خارجی دسترسی پیدا کرده و معمولاً با شرایط انحصاری موافقت‌نامه‌های تجاری امضا کنند^۱.

با ایجاد گات‌ها نه تنها روش‌های دوجانبه و منطقه‌ای در روابط تجاری کاهش نیافت، بلکه برعکس، فشار برای انعقاد این موافقت‌نامه‌ها بالاخص در اروپا در مدتی کم‌تر از پنج سال افزایش یافت. اگر نیمه دوم قرن نوزدهم اولین موج منطقه‌گرایی باشد، باید گفت در ۶۰ سال گذشته نیز شاهد سه موج دیگر از موافقت‌نامه‌های تجاری بوده و در هر دوره، فکر و ایده آزادسازی و همگرایی بیش‌تر و سریع‌تر نسبت به گات نقش اساسی را ایفا کرده است^۲. براساس کتاب اصطلاحات سیاست تجاری، منطقه‌گرایی به معنای مجموعه اقداماتی است که گاه از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها، به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه صورت می‌گیرد؛ اما موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در نگاه سازمان جهانی تجارت، مفهوم خاصی دارد. موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای به معنای خاص مقررات ماده (۲۴) گات ۱۹۹۴ و ماده (۵) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات به‌طور ویژه شرایطی برای آزادسازی تجاری ترجیحی در موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مقرر می‌دارد^۳.

براساس تخمین سال ۲۰۰۵ بانک جهانی، دست‌کم حدود یک‌سوم تجارت جهانی به‌صورت اسمی از مجرای ترتیبات تجاری منطقه‌ای صورت می‌گیرد. این ترتیبات به‌طور حتم به معنای تحدید اصل دولت کامل‌الوداد است، زیرا اساس‌شان ایجاد تبعیض میان کشورهای عضو و غیرعضو بوده و می‌توانند بر روی منافع تجاری اشخاص ثالث یا کشورهای غیرعضو تأثیر منفی گذاشته و برای شفافیت و قابلیت پیش‌بینی روابط تجاری بین‌المللی و اجرای ترتیبات مزبور - خواه براساس ماده (۲۴) گات به‌وجود آمده باشند یا به‌صورت

۱. حسن ثاقب (۱۳۹۰)، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. مسعود کمالی اردکانی (۱۳۸۵)، ص ۵۰۹.

معافیت‌ها - از تخفیف‌های تعرفه‌ای بهره‌مند شوند^۱. تعداد ۵۴۶ نوع از این موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای تا دهم ژانویه سال ۲۰۱۳ به سازمان جهانی تجارت اعلام شد که از این تعداد، ۳۵۴ مورد در حال اجرا است^۲. باید خاطر نشان کرد عمده موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در منطقه غرب و آسیا - اقیانوسیه منعقد شده‌اند.

منطقه‌گرایی برای کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی و ادغام در اقتصاد جهانی است. در چنین شرایطی، اقتصاد منطقه‌ای با حذف موانع تعرفه‌ای و سایر موانع گمرکی موجود در منطقه، باعث امکان دسترسی واحدهای تولید به بازارهای وسیع‌تر شده و موانع انتقال سرمایه و تکنولوژی در محدوده منطقه برداشته شده و در مجموع، افق‌های گسترده‌تری در برابر واحدهای تولیدی و شرکت‌ها گشوده می‌شود^۳.

از سوی دیگر، گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای میان قوانین و رویه‌های حل اختلاف (از جمله رکن صالح جهت رسیدگی به اختلاف) در سازمان جهانی تجارت تعارض‌هایی ایجاد می‌کند.

تعارض صلاحیت در حل و فصل اختلاف زمانی به وجود می‌آید که امکان طرح یک دعوی مشابه به‌طور همزمان در دو سیستم متفاوت حل و فصل اختلاف وجود داشته باشد؛ موضوعی که مقاله حاضر به آن پرداخته و می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که در صورت بروز چنین تعارضی، اختلاف باید براساس کدام سیستم حل و فصل شود. این در حالی است که هیچ قاعده کلی‌ای برای اولویت دادن تفاهم‌نامه حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت بر موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای وجود ندارد.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که ایران در شرایط پیوستن به سازمان جهانی تجارت است. همچنین با برخی کشورها - به‌ویژه کشورهای همسایه - موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ای (از جمله موافقت‌نامه همکاری‌های تجاری اکو) منعقد شده است. بر این اساس، در آینده‌ای نزدیک احتمال امضای موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای به‌ویژه با کشورهای که روابط تجاری قوی‌تری با ایران دارند، دور از ذهن نیست. بنابراین، بررسی نحوه حل و فصل اختلاف

۱. حسن نایب (۱۳۸۹)؛ ص ۱۷.

2. http://www.wto.org/english/tratop_e/region_e/region_e.htm

۳. محمدرضا عابدین (۱۳۹۰)؛ ص ۲۱۳.

پیش‌آمده میان رویه‌های حل اختلاف موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و سازمان جهانی تجارت می‌تواند از هم‌اکنون راهکارهایی برای طراحی نظام حل اختلاف بهینه و عاری از ایرادهای حقوقی فراروی سیاست‌گذاران ملی قرار دهد.

۱. نظام حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی

تعارض منافع تجاری کشورها، علی‌الخصوص کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، همواره موجب بروز اختلافات در چارچوب گات شده و در نتیجه، نظام حل اختلاف گات پر کار و فعال در حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. از سوی دیگر، اختلاف دولت‌ها در زمینه مسائل تجاری با سایر اختلافات در روابط بین‌الملل تفاوت ماهوی دارد و از این جهت، شاید سایر سازوکارهای حل اختلاف کنونی، همچون رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری، در این زمینه پاسخگو نباشد؛ زیرا هدف غایی در زمینه موافقت‌نامه‌ای چون گات یا سازمان جهانی تجارت، تأمین تفاهم و تضمین تجارت آزاد و غیرتبعیضی کشورهای عضو است و نه صرفاً اجرای موازین خشک حقوقی. ملاحظاتی از این دست موجب شکل‌گیری نظام حل اختلافاتی شده است که با هیچ نظام حل اختلاف دیگری قابل مقایسه نیست و در عین حال عناصر تشکیل‌دهنده آن را در بسیاری از روش‌های دیگر حل اختلاف می‌توان یافت؛ در حقیقت ترکیبی از شیوه‌های حقوقی و شیوه‌های انعطاف‌پذیرتر سیاسی است.

۱-۱. انواع شکایت در سازمان جهانی تجارت

طبق ماده (۲۳) موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، شش نوع مختلف شکایت قابل طرح است. به موجب این ماده، منشأ دعاوی یکی از دو مورد زیر محسوب می‌شود:

۱. از بین رفتن یا لطمه دیدن منافع؛

۲. ایجاد مانع در راه حصول منافع.

این دو منشأ دعوی به یکی از سه صورت زیر تحقق می‌یابد:

۱. قصور در انجام تعهدات به موجب موافقت‌نامه؛

۲. اتخاذ هر تدبیری - چه با موافقت‌نامه مغایر باشد چه نباشد؛

۳. وجود هر موقعیت دیگر.

به این ترتیب، شش نوع شکایت قابل طرح است که تحت سه عنوان «شکایات بر اثر نقض^۱»، «شکایات بدون نقض^۲» و «شکایت موقعیتی^۳» قابل بررسی است^۴ (جدول ۱).

جدول ۱- انواع شکایت قابل طرح در سازمان جهانی تجارت

از بین رفتن یا لطمه دیدن منافع	ایجاد مانع در راه حصول منافع	
قصور در انجام تعهدات به موجب موافقت‌نامه	قصور در انجام تعهدات به موجب موافقت‌نامه	شکایت بر اثر نقض
اتخاذ هر تدبیری چه با موافقت‌نامه مغایر باشد چه نباشد	اتخاذ هر تدبیری چه با موافقت‌نامه مغایر باشد چه نباشد	شکایت بدون نقض
وجود هر موقعیت دیگر	وجود هر موقعیت دیگر	شکایت موقعیتی

۱-۲. رویه‌های حل اختلاف

مشورت: به‌طور کلی، رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت با درخواست یک یا چند دولت عضو برای مشورت در خصوص مورد ادعا با خواننده (خوانندگان) آغاز می‌شود. در اینجا اشاره به این نکته لازم است که رویه حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت صرفاً یک جریان دولت به دولت است؛ به عبارت دیگر، فقط کشورها (دولت‌ها)ی عضو می‌توانند طرف دعوی قرار بگیرند.

وقتی درخواست مشورتی صورت می‌گیرد، این درخواست به دبیرخانه سازمان جهانی تجارت ارسال می‌شود. درخواست مشورت، کتبی است که ضمن آن دلایل درخواست، مبنای حقوقی شکایت و اقدامات متنازع‌فیه نیز توضیح داده می‌شود. طرف متعاقد مخاطب درخواست باید ظرف مدت ۱۰ روز به درخواست مشورت پاسخ دهد و ظرف مدت ۳۰ روز پس از تاریخ دریافت درخواست، با حسن نیت وارد مشورت شود. مشورت ظرف ۶۰

1. Violation Complaints

2. Non- Violation Complaints

3. Situation Complaints

۴. غزاله دژم‌خوی (۱۳۸۵)؛ ص ۴۸۶.

روز انجام می‌شود و اگر در این مدت به نتیجه نرسد یا طرف متعاقد وارد مشورت نشود، خواهان می‌تواند برای بررسی موضوع، درخواست تشکیل هیأت رسیدگی دهد. **تشکیل هیأت رسیدگی:** درخواست تشکیل هیأت رسیدگی یا هیأت حل اختلاف به رکن حل اختلاف تقدیم شده و طی اولین جلسه پس از این که در دستور کار قرار گرفت، هیأت رسیدگی تشکیل می‌شود؛ مگر این که اجماع برخلاف آن باشد.^۱ درخواست تشکیل هیأت رسیدگی نیز به صورت کتبی به عمل می‌آید و در آن به مشورت‌های انجام شده، اشاره شده و بعد از مشخص شدن اقدامات خاص متنازع‌فیه، خلاصه‌ای از مبنای حقوقی شکایت ارائه خواهد شد.

همچنین، اگر عضو مزبور بخواهد هیأت رسیدگی دارای حدود اختیاراتی غیر از شرح وظایف استاندارد باشد، متن حدود اختیارات پیشنهادی را نیز در درخواست خود ذکر می‌کند. هنگامی که تشکیل هیأت رسیدگی مورد تأیید رکن حل اختلاف قرار گرفت، دبیرخانه اعضای هیأت رسیدگی را انتخاب می‌کند. هیأت رسیدگی معمولاً مرکب از سه عضو است، مگر این که طرفین اختلاف بر پنج عضو توافق کنند.

با مشخص شدن شرح وظایف هیأت رسیدگی، هیأت اظهاریه‌های شفاهی و کتبی طرفین اختلاف و طرف‌های ثالث را دریافت می‌کند. هر عضو سازمان جهانی تجارت که در مسأله مطرح شده منافع قابل توجهی داشته باشد، می‌تواند به عنوان طرف ثالث وارد دعوی شود.

پس از بررسی لوایح متقابل و استدلال‌های شفاهی، هیأت رسیدگی گزارش موقتی تهیه و پیش‌نویس آن را برای طرف‌های اختلاف ارسال می‌کند تا آن‌ها ظرف مدت ۳۰ روز نظرات خود را نسبت به گزارش به اطلاع هیأت برسانند.

در صورتی که درخواستی برای بررسی قسمت‌هایی از گزارش از سوی یکی از طرفین اختلاف طرح شود، هیأت رسیدگی جلسه دیگری با حضور طرفین اختلاف تشکیل می‌دهد که طی آن درباره موضوعات مشخص شده در نظرات بحث می‌شود. اگر چنین درخواستی مطرح نشود، گزارش موقت به عنوان گزارش نهایی هیأت تلقی شده و بین اعضا توزیع شده و گزارش نهایی به رکن حل اختلاف برای تصویب ارسال می‌شود. رکن حل اختلاف

۱. این موضوع، تفاوت عمده رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت با گات ۱۹۴۷ است که در آن تشکیل هیأت رسیدگی منوط به حصول اجماع مثبت بود و در صفحه‌های بعد بیش‌تر توضیح داده خواهد شد.

موظف است ظرف مدت ۶۰ روز پس از توزیع گزارش هیأت میان اعضا، گزارش را تصویب کند؛ در دو حالت ممکن است گزارش هیأت تصویب نشود:

۱. یکی از طرف‌های اختلاف تصمیم خود را برای استیناف رسماً به رکن حل اختلاف اعلام کند.

۲. رکن حل اختلاف اجماعاً تصمیم به عدم تصویب گزارش بگیرد.

استیناف: یکی از ابداعات نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت در رسیدگی به اختلافات دولت‌ها، قبول تجدیدنظرخواهی نسبت به نظرات هیأت رسیدگی بدوی است که موجب قضائی تر شدن رویه حل اختلاف سازمان شده است.

طبق مقررات تفاهم‌نامه حل اختلاف، فقط طرف‌های اختلاف و نه طرف‌های ثالث می‌توانند در مورد گزارش هیأت رسیدگی تقاضای استیناف کنند. رکن استیناف یکی از ارکان دائم سازمان جهانی تجارت است که مرکب از ۷ فرد غیردولتی است که صلاحیت‌شان بارز بوده و مهارت‌های محرز در زمینه حقوق، تجارت و موضوع اختلاف دارند.

رکن استینافی باید ظرف ۶۰ روز یا در صورت تمدید ظرف ۹۰ روز گزارش خود را آماده کند. موضوع استیناف فقط محدود به موضوعات حقوقی مطروحه در گزارش و تفاسیر حقوقی ارائه شده توسط هیأت رسیدگی است. جریان رسیدگی استینافی نیز محرمانه است. گزارش رکن استینافی مورد تصویب رکن حل اختلاف قرار گرفته و طرف‌های اختلاف باید آن را بدون قید و شرط قبول کنند؛ مگر این که رکن حل اختلاف ظرف ۳۰ روز پس از توزیع آن میان اعضا، اجماعاً تصمیم به عدم تصویب گزارش رکن استینافی بگیرد.

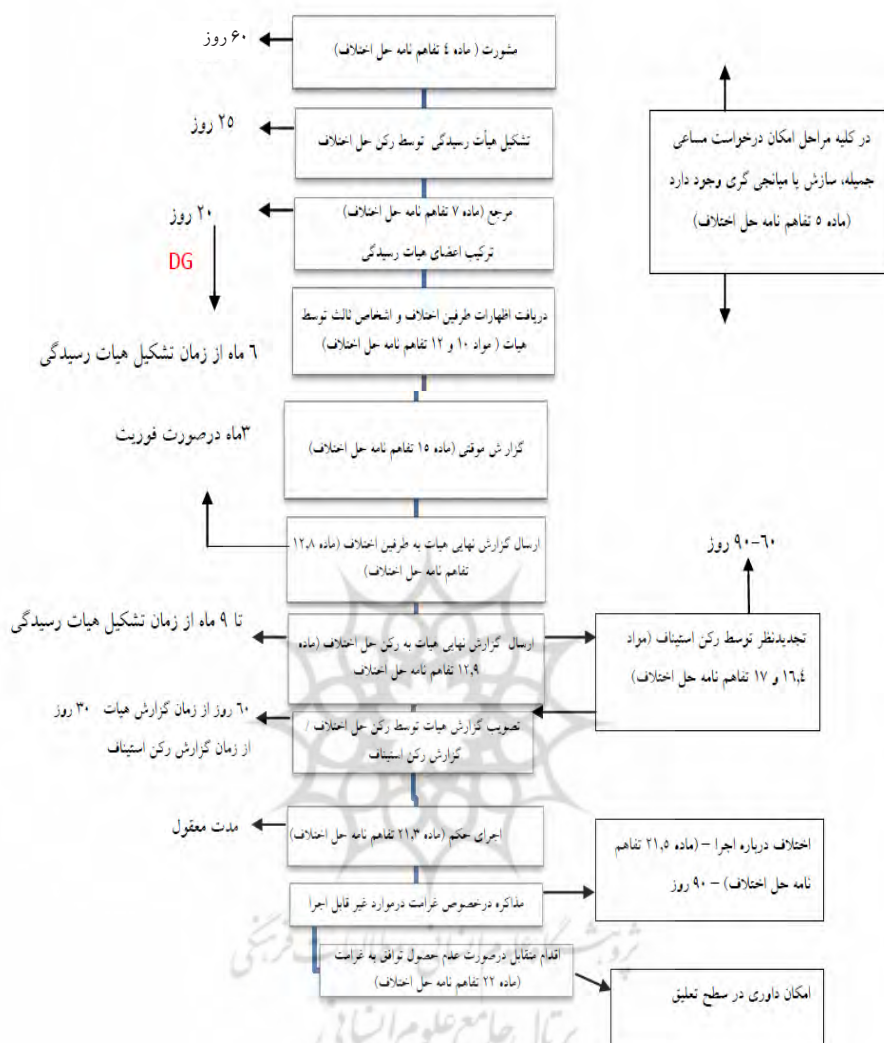
۳-۱. توصیه‌ها و احکام

زمانی که احراز شد اقدامی مغایر موافقت‌نامه توسط یکی از طرف‌های اختلاف رخ داده است، هیأت رسیدگی یا رکن استینافی توصیه خواهد کرد عضو مربوط اقدام مزبور را با موافقت‌نامه منطبق گرداند. درباره شکایات مبتنی بر موارد عدم نقض موصوف در شق (۳) بند (۱) ماده (۲۳) گات که تخلفی از مقررات موافقت‌نامه‌ها رخ نداده بلکه بر اثر اقدام یک عضو، منافی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم نصیب طرف دیگر می‌شده از بین رفته یا

لطمه دیده یا دستیابی به اهداف موافقت‌نامه با مانع روبه‌رو شده است، خواننده تعهدی برای کنار گذاشتن آن اقدام ندارد و هیأت رسیدگی یا رکن استینافی توصیه خواهند کرد عضو ذی‌ربط، تعدیل مرضی‌الطرفین به‌عمل آورد.

درمورد شکایات از نوع موصوف در شق «ج» از بند (۱) ماده (۲۳) گات ۱۹۹۴ نیز که تخلفی از مقررات موافقت‌نامه‌ها رخ نداده و تنها در نتیجه وضعیتی غیر از وضعیت‌های مذکور در شق‌های «الف» و «ب» منافع عضو دیگر از بین رفته یا لطمه دیده یا دستیابی به یکی از اهداف موافقت‌نامه‌ها با مانع روبه‌رو شده است، هیأت رسیدگی همانند مورد قبل می‌تواند توصیه به تعدیل مرضی‌الطرفینی نماید.

اما تفاوت عمده در ترتیبات تفاهم‌نامه ۱۹۹۴ حل اختلاف این است که طبق بند (۲) ماده (۲۶) این تفاهم‌نامه، هیأت رسیدگی تنها در حالتی که تشخیص دهد شق «ج» بند (۱) قابل اعمال است می‌تواند حکم صادر کند. به‌علاوه، رویه هیأت رسیدگی تنها تا مرحله توزیع گزارش بین اعضا قابل اعمال خواهد بود و از این مرحله به بعد اصلاحات سال ۱۹۸۹ اجرا می‌شود، یعنی تصویب گزارش هیأت منوط به حصول اجماع مثبت در هیأت خواهد بود و به این ترتیب، طرف خواننده می‌تواند تصویب گزارش هیأت رسیدگی را وتو کند. برای تضمین حل اختلاف مؤثر، رعایت فوری احکام یا توصیه‌ها ضروری است. بر این اساس، رکن حل اختلاف خود بر اجرای توصیه‌ها و احکام نظارت می‌کند. عضو ذی‌ربط باید ظرف ۳۰ روز تصمیم خود مبنی بر اقدام فوری جهت انطباق با موافقت‌نامه مربوط را به اطلاع رکن برساند. اگر اقدام فوری مقدور نباشد، مهلت معقولی تعیین خواهد شد. نحوه تعیین مهلت به این صورت است که ابتدا فرصت توسط عضو پیشنهاد شده و رکن آن را تأیید می‌کند. در صورت عدم وجود چنین توافقی فرصت توسط طرف‌های اختلاف ظرف ۴۵ روز مورد تراضی قرار می‌گیرد و اگر این توافق حاصل نشود فرصت ظرف ۹۰ روز توسط داوری لازم‌الاتباع تعیین می‌شود. این فرصت نباید بیش از ۱۵ ماه از تاریخ تصویب گزارش هیأت رسیدگی یا رکن استینافی باشد.^۱



نمودار ۱- رویه حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت

۴-۱. جبران و تعلیق امتیازات

طبق ماده (۲۲) تفاهم نامه حل اختلاف در صورتی که توصیه ها و احکام ظرف فرصت معقولی به اجرا درنیاید، جبران و تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات، اقدامات موقتی هستند که در دسترس قرار دارند. البته جبران یا تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات هیچ یک بر اجرای

کامل یک توصیه جهت منطبق ساختن یک اقدام با موافقت‌نامه‌های تحت پوشش رجحان ندارد. جبران جنبه اختیاری داشته و اگر اجازه داده شود، مطابق موافقت‌نامه‌های تحت پوشش خواهد بود. اگر عضو ذی‌ربط اقدامی را که معلوم شد با یک موافقت‌نامه تحت پوشش مغایرت دارد با آن منطبق نسازد یا توصیه‌ها و احکام را ظرف فرصت معقول تعیین شده رعایت نکند، در صورت درخواست، چنین عضوی حداکثر تا انقضای فرصت معقول با طرفی که به رویه‌های حل اختلاف متوسل شده است، برای ارائه یک طریق جبران قابل قبول، وارد مذاکره می‌شود. اگر ظرف ۲۰ روز پس از تاریخ انقضای فرصت معقول در مورد جبران رضایت‌بخشی توافق حاصل نشود، خواهان می‌تواند برای تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش، از رکن حل اختلاف کسب اجازه کند. اصولی که برای تعلیق باید در نظر گرفته شوند عبارت‌اند از:

۱. اصولاً تعلیق در همان بخشی از امتیازات یا تعهدات اجرا می‌شود که نقض صورت گرفته است؛

۲. اگر امکان تعلیق در آن بخش نباشد، اجازه تعلیق در مورد سایر بخش‌های همان موافقت‌نامه داده می‌شود؛

۳. اگر تعلیق در مورد بخش‌های دیگر همان موافقت‌نامه عملی یا مؤثر نباشد و اوضاع و احوال به اندازه کافی وخیم باشد، تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش دیگر را می‌توان درخواست کرد.

رکن حل اختلاف در سطحی اجازه تعلیق می‌دهد که معادل منافع از میان رفته یا لطمه‌های وارده باشد. امکان اعمال تعلیق تا زمانی است که یا اقدام مغایر کنار گذاشته شود یا توصیه‌ها و احکام رعایت شده و یا راه‌حل مرضی‌الطرفینی به‌دست آید.

۱-۵. نظارت بر اجرای آرا و ضمانت اجرای آن

خود رکن حل اختلاف، مسئول نظارت بر اجرای این نظرات و آرا شناخته شده و به این امر توجه خاصی شده است. طبق بند (۶) ماده (۲۱) تفاهم‌نامه، رکن حل اختلاف بر اجرای احکام و توصیه‌های مصوب نظارت خواهد داشت و در این خصوص وقتی نظارت در دستور کار رکن حل اختلاف قرار گرفت، کشور مربوطه باید مرتباً در مورد وضعیت

پیشرفت اجرای توصیه‌ها و احکام به این رکن گزارش دهد و نظارت مؤثر تا حصول نتیجه مطلوب ادامه خواهد داشت.

۲. تعارض میان ساختارهای حقوقی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای و سازمان جهانی تجارت

همواره امکان تعارض میان نظام حقوقی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای و سازمان جهانی تجارت و یا میان اعضاء موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و طرف‌های ثالث وجود دارد. برخی از مثال‌های عملی این موضوع در جدول (۲) نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، در موافقت‌نامه آخر که ایران نیز عضویت دارد، تصمیمات اخذشده برای حل اختلاف، فاقد جنبه الزام‌آور بوده و از توصیه فراتر نمی‌رود، و برخلاف آنچه در سازمان جهانی تجارت جریان دارد، فاقد ضمانت اجرایی است.

پس از تحلیل چنین تعارضات حقوقی‌ای، بالطبع مباحثی مبنی بر نحوه کاستن از چنین تعارضاتی موضوعیت می‌یابد. این مباحث نخست توسط هیأت حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و سپس، ضمن رویه‌های مربوط حل تعارضات مربوط به موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و در نهایت در مواردی که صراحتاً به اصلاح مقررات چند جانبه مابین موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و سازمان جهانی تجارت مربوط می‌شود، طرح شده‌اند.

این گونه تعارضات معمولاً وقتی بروز می‌کند که امکان همزمان ارجاع یک دعوی به دو و یا چند دادگاه فراهم باشد. بدیهی است در چنین مواردی تصمیم‌گیری و انتخاب کشورها ضروری خواهد بود.^۱

هرچند چنین تعارضاتی (میان دادگاه‌های ملی و بین‌المللی) در بخش‌های مربوط به حقوق بین‌الملل کاملاً مورد بحث قرار گرفته، اما در مورد جنبه‌های عمومی چنین تناقضاتی راه‌حلی مطرح نبوده تا این که به تازگی و به دلیل گسترش معاهدات بین‌المللی این مباحث نیز موضوعیت یافته‌اند.

۱. گزارش گروه مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره تجزیه حقوق بین‌الملل، ر.ک.:

Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, 23-25, U.N. Doc. A/CN.4/L.682 (Apr. 13, 2006).

جدول ۲- مثال‌هایی از موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و رویه حل اختلاف در آن‌ها

موافقت‌نامه	موافقت‌نامه تجاری روابط اقتصادی مابین استرالیا و نیوزیلند ^۱	منطقه آزاد تجاری آسیا و اقیانوسیه ^۲	اافتا - مکزیک ^۳	کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی
موافقت‌نامه	موافقت‌نامه تجاری روابط اقتصادی مابین استرالیا و نیوزیلند ^۱	منطقه آزاد تجاری آسیا و اقیانوسیه ^۲	اافتا - مکزیک ^۳	کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی
روش حل اختلاف	اگر درخت‌کشته‌کننده مشاوره دریافت کند که به تعهد طبق موافقت‌نامه عمل نشده یا مزایای اعطاشده براساس موافقت‌نامه، مورد انکار واقع شده است و یا دستیابی به یکی از اهداف موافقت‌نامه ممکن نبوده یا مشکلی در اجرای موافقت‌نامه ایجاد شده است، در این صورت با درخواست هریک از دولت‌های عضو موافقت‌نامه، موضوع برای حصول راه‌حل متصفانه و مرضی‌الطرفین به مشاوره ارجاع داده می‌شود.	اگر دولت عضوی که درگیر اختلافی است نتواند قبل از تصمیم‌گیری کمیته مقامات ارشد اقتصادی، به تمام روش‌های حل اختلاف متوسل شود. مشاوره: اعضا برای مشاوره درباره هر موضوعی که اجرای موافقت‌نامه را تحت‌تأثیر قرار دهد، توافق خواهند کرد. هر نوع اختلافی میان اعضا درباره تفسیر یا قلمرو موافقت‌نامه تا حد امکان باید از طریق مشاوره بین خودشان حل و فصل شود.	مشاوره: طرفین اختلاف هر وقت که بخواهند می‌توانند درباره تفسیر و اجرای مشارکت و مشاوره برای دستیابی به یک روش مرضی‌الطرفین درباره هر موضوعی که اجرای موافقت‌نامه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، اقدام کنند. ارجاع به کمیته مشترک: هر طرف اختلاف می‌تواند درخواست مشاوره در ارتباط با اجرا یا تفسیر موافقت‌نامه از طریق کمیته مشترک را نماید. کمیته مشترک ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ درخواست، تشکیل شده و تلاش خواهد کرد درباره حل اختلاف تصمیمی اتخاذ کند. در تصمیم اتخاذنشده باید اقداماتی که توسط طرفین اختلاف اجرا می‌شود و همچنین مدت زمان اجرا ذکر شود.	مشاوره: کشور متضرر برای حل و فصل مناسب مسئله، ابتدا به کشور خاطی اعلامیه کتبی ارسال می‌کند. ارجاع به کمیته مذاکرات تجاری: در صورت عدم حصول توافق رضایت‌بخش برای حل اختلاف از طریق مشاوره، کمیته مذاکرات تجاری طبق مقررات بین‌المللی نتایج مشاوره COMCEC را به اطلاع کمیته خواهد رساند.

مواقت‌نامه تجارتی کشورهای اسلامی	اِثنا - مکر یک ^{۳۳}	منطقه آزاد تجاری آسه آن ^{۳۴}	مواقت‌نامه تجاری روابط اقتصادی مالین استرالیا و نیوزیلند ^{۳۵}	مواقت‌نامه
<p>کمیته COMCEC: در صورت عدم حصول توافق کمیته مذکور به محض دریافت گزارش، کمیته مذاکرات تجاری تشکیل شده و برای حل اختلاف تصمیم خواهد گرفت.</p>	<p>مرحله داوری: در مواردی که یک طرف اختلاف متوجه نقض موافقت‌نامه توسط طرف دیگر از طریق اقدامات اصمال شده ظرف ۱۵ روز بعد از تصمیم کمیته مشترک می‌شود طرف دیگر می‌تواند تقاضای کتبی برای تشکیل هیات داوری نماید.</p> <p>تشکیل هیات داوری: هیات داوری متشکل از ۳ عضو است. هر طرف اختلاف یک داور منصوب می‌کند و این دو داور، داور سوم که سر داور نیز است را با تراضی انتخاب می‌کنند.</p> <p>اگر داوران نتوانند ظرف ۳۰ روز سر داور را انتخاب کنند با درخواست هر یک از طرفین اختلاف هیات مدیره در سازمان جهانی تجارت داور سوم را منصوب می‌کند.</p>	<p>زمانی که روش مساعی جمیله، سازش یا میانجی خاتمه یافت طرف شکای در صورت ابقاء اختلاف می‌تواند دعوا را در کمیته مقامات ارشد اقتصادی طرح نماید</p> <p>ارجاع به کمیته مقامات ارشد اقتصادی: اگر مشاوره به حل اختلاف منتهی نشد، موضوع اختلاف باید ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ درخواست مشاوره، در کمیته مقامات ارشد اقتصادی مطرح شود. این کمیته قواعد و روش رسیدگی خاص خود را دارد.</p> <p>کمیته، در موارد خاص بنا به تشخیص خود، تصمیم به حل اختلاف بدون تشکیل هیات رسیدگی می‌گیرد.</p> <p>تشکیل هیات رسیدگی: ظرف مدت ۳۰ روز از زمان ارجاع اختلاف به کمیته، از طرف کمیته هیاتی برای رسیدگی به دعوی تشکیل می‌شود. هیات مورد نظر نتیجه یافته‌ها و تحقیقات خود را به کمیته گزارش می‌دهد. کمیته مقامات ارشد اقتصادی با توجه به گزارش هیات، ظرف مدت ۳۰ روز از زمان دریافت گزارش، رأی را صادر می‌کند.</p>		<p>مقررات حل و فصل اختلاف</p>

موافقت‌نامه تجارتی کشورهای اسلامی	اثرات - مکرر یکی***	منطقه آزاد تجاری آسه آن**	موافقت‌نامه تجاری روابط اقتصادی مالین استرالیا و نیوزیلند*	موافقت‌نامه
<p>موافقت‌نامه نظام تجارتی کشورهای اسلامی</p>	<p>اثرات - مکرر یکی***</p>	<p>منطقه آزاد تجاری آسه آن**</p>	<p>موافقت‌نامه تجاری روابط اقتصادی مالین استرالیا و نیوزیلند*</p>	<p>موافقت‌نامه</p>
<p>غیر اجباری بوده و در موافقت‌نامه لحاظ نشده است.</p>	<p>اجباری: اختلافات در خصوص هر موضوعی که ناشی از موافقت‌نامه منطقه‌ای و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت در اختیار شاکی است تا به هر کدام که مایل بود مراجعه کرده و اختلاف مورد نظر را حل و فصل کند.</p>	<p>استیناف: طرف‌های اختلاف می‌توانند به تصمیم صادره از سوی کمیته مقامات ارشد اقتصادی اعتراض کرده و ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ صدور رای، اعتراض خود را به هیأت وزیران اقتصادی آسه آن تقدیم کنند. هیأت انحرالاکر بر مبنای اکثریت ساده، تصمیم‌گیری خواهد کرد.</p>	<p>غیر اجباری بوده و لحاظ نشده است.</p>	<p>ارجاع به مکانیسم حل و فصل اختلاف در سازمان جهانی تجارت</p>
<p>الزام آور نبوده و جنبه توصیه‌ای دارد.</p>	<p>توسل به مکانیسم حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت توسط ثالث: اگر مشخص ثالث نسبت به موافقت‌نامه منطقه‌ای معترض بوده و خواهان رسیدگی بر اساس مکانیسم حل اختلاف باشد. سازمان جهانی تجارت باید به اطلاع طرفین اختلاف برساند در صورت عدم حصول تراضی اختلاف مذکور بر اساس مواد پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه منطقه‌ای حل و فصل خواهد شد.</p>	<p>تصمیم هیأت وزیران اقتصادی آسه آن درباره اختلاف قطعی بوده و برای طرفین الزام آور است.</p>	<p>غیر اجباری بوده و به صورت اقدامات الزام آور نبوده و به صورت توصیه خواهد بود. تأییدی یکی-جنبه خواهد بود.</p>	<p>تصمیم</p>

*. ANZCERTA (Australia New Zealand Closer Economic Relations Trade Agreement)

** ASEAN Free-trade area (AFTA)

*** EFTA - Mexico

بخش خط کشیده لطفا بررسی شود

تعارض صلاحیت در حل و فصل اختلافات زمانی مطرح می‌شود که رسیدگی به یک اختلاف به صلاحیت دو مرجع ارتباط پیدا می‌کند. در چنین شرایطی طرفین اختلاف بین انتخاب دو دادگاه مخیر بوده و می‌تواند زمینه اختلافات بعدی را فراهم نماید. در خصوص موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای تعارض بدین شکل بروز می‌کند که طرفین موافقت‌نامه در ضمن موافقت‌نامه مرجعی را برای حل و فصل اختلافات برگزینند اما از سویی دیگر مرجع حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی نیز بر اساس مواد گات واجد صلاحیت برای رسیدگی گردد.

۲-۱. صلاحیت انحصاری سازمان جهانی تجارت در زمینه قضاوت مراجع زیرمجموعه ماده (۲۳) تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات

ماده (۲۳) تفاهم‌نامه حل و فصل دعاوی، بیانگر صلاحیت انحصاری در مورد مکانیزم حل و فصل تمام دعاوی در توافقات انجام گرفته، تحت نظام سازمان جهانی تجارت است.^۱ ماده (۱-۲۳) چنین اظهار می‌دارد: «هنگامی که اعضا درصدد جبران نقض تعهدات یا سایر موارد از میان رفته یا لطمه به منافع پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش یا رفع مانعی بر سر راه دستیابی به هر یک از هدف‌های موافقت‌نامه‌های تحت پوشش برمی‌آیند، باید به قواعد و رویه‌های این تفاهم‌نامه متوسل شوند و از آن‌ها تبعیت نمایند». همچنین، ماده (۲-۲۳) مقرر داشته است که در چنین مواردی اعضا هیچ تصمیمی دایر بر این که نقضی رخ داده، منافی از میان رفته یا لطمه دیده یا دستیابی به هر یک از اهداف موافقت‌نامه‌های تحت پوشش با مانع روبه‌رو شده است، اتخاذ نخواهند کرد؛ مگر با توسل به رویه‌های حل اختلاف مطابق قواعد و رویه‌های این تفاهم‌نامه، و اعضا چنین تصمیمی را منطبق با یافته‌های مندرج در گزارش هیأت رسیدگی یا رکن استیناف که به تصویب رکن حل اختلاف رسیده یا به موجب یک حکم داوری که طبق این تفاهم‌نامه صادر شده است، اتخاذ خواهند کرد.^۲ فراهم آوردن امکان رجوع طرفین دعوی به داوری جایگزین^۳ تحت عنوان «مقررات و

1. Kyung Kwak and Gabrielle Marceau (2002); p. 3

۲. سازمان جهانی تجارت (۱۳۷۳)؛ صص ۵۷۳-۵۷۴.

3. Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes art. 25.1, Apr. 15, 1994, Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Annex 2, Legal Instruments – Results of the Uruguay Round, 33 I.L.M. 1125 (1994); [hereinafter DSU].

رویه‌های خاص حل و فصل دعاوی مندرج در موافقت‌نامه^۱، در واقع صلاحیت انحصاری این دادگاه‌ها (مندرج در ماده ۲۳ تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات) را نادیده می‌گیرد. حقوق دانان فی الواقع با تعارض میان صلاحیت بین سازمان جهانی تجارت و دیگر مجامع روبه‌رو هستند. این تناقضات تنها با مراجعه به تمهیدات مندرج در ماده (۲۳) تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات نیز قابل رفع نیستند.

به‌منظور بررسی ماده (۲۳) تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات، می‌توان به تفسیر مقررات مربوط به مواد (۳۱) و (۳۲) کنوانسیون وین در خصوص «حقوق معاهدات»^۲ مراجعه کرد؛ زیرا براساس ماده (۲-۳) موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی، مقررات پیشین موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت از جمله: «برطبق قوانین جاری مربوط به تفسیر قوانین بین‌المللی عمومی» باید تبیین و روشن شود.

همچنین، ماده (۲۳) تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات، «تفسیر» یک جانبه اعضا از نقض معاهده را ممنوع کرده است. بنابراین، اعضای که به‌دنبال «جبران نقض تعهدات» در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت هستند، باید از مکانیزم حل و فصل اختلافات این سازمان^۳ استفاده کنند.

شانی معتقد است ماده (۲۳) تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات به صراحت موارد اختلافی (تحت پوشش موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت) را از تفسیر^۴ مراجعه به دادگاه‌ها و محاکم خارج از این سازمان منع نکرده است.

۲-۲. مقررات سازمان جهانی تجارت در مورد تعارض قوانین

بر اساس ماده (۱-۱) تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات، هیأت‌های داوری و دادگاه استیناف فقط صلاحیت پرداختن به «مفاد مندرج در فهرست ضمیمه تفاهم‌نامه» را دارند. این واقعیت که صلاحیت هیأت‌های داوری سازمان جهانی تجارت کاملاً به توافقات

1. DSU art. 1.2. An example for this exception is art. 11.3 of the Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary measures [hereinafter SPS], which explicitly allows WTO Members to have recourse to "the good offices or dispute settlement mechanisms of other international organizations or established under any international agreement.

2. The Vienna Convention of the Law of Treaties [hereinafter (VCLT)]

3. WTO dispute settlement mechanism (DSM)

4. Shany Yuval (2003); p. 184.

درونی سازمان محدود می‌شود به این معنا نیست که قوانین قابل اجرا در این هیأت‌ها باید از تمام قوانین بیرونی منفک شوند. برعکس، این حقیقت بخشی از قوانین پذیرفته شده بین‌المللی است که هرگاه یک معاهده مورد تفسیر واقع می‌شود «تمامی مقررات مربوطه نیز در روابط فی‌مابین طرفین» نیز باید مد نظر قرار گیرند.^۱ به اعتقاد پاولین، دادگاه‌های مربوط به تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات نسبت به قوانین خارج از موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، تقدم دارند؟^۲ هرچند باید تمایزی میان صلاحیت و قانون حاکم بر اختلاف نیز قائل شد.

رکن استیناف به صراحت بیان می‌دارد: «گات انزوا از حقوق بین‌المللی را اراده نکرده است»^۳. این بیان با ماده (۳-۳۱) کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات نیز منطبق است.^۴ پاولین، میان دو گونه از مواردی که قوانین خارج از سازمان جهانی تجارت می‌تواند توسط هیأت داوری این سازمان مورد استفاده قرار گیرد، تفکیک قائل می‌شود. نخست قوانین خارجی که به تضعیف صلاحیت این هیأت می‌انجامد و دیگری قوانین خارج از سازمان جهانی تجارت که مقررات آن را نقض می‌کند.^۵

درنهایت، ارکان سازمان جهانی تجارت که صادرکننده حکم نهایی‌اند، تنها مجاز به استناد به موادی از تعهدات موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای هستند که منعکس‌کننده مقاصد عمومی تمام اعضای این سازمان بوده و در جهت رویه‌های پذیرفته شده آن مورد تفسیر قرار گرفته‌اند.

به‌عنوان مثال، آرژانتین در سال ۲۰۰۰ میلادی تصمیم گرفت برای ورود محصولات پنبه‌ای از برزیل، چین و پاکستان سهمیه‌ای وضع کند. برزیل از هیأت داوری طبق موافقت‌نامه مرکوسور تقاضای رسیدگی به اختلاف تجاری در این خصوص کرد. نتیجه حکم داوری این بود که اقدام آرژانتین با موافقت‌نامه مرکوسور منطبق نبوده است. آرژانتین بدون توجه به حکم داوری جهت حذف این محدودیت، اقدامی نکرد. بنابراین، برزیل از نهاد نظارت بر

1. art. 31(3)(c) VLCT, May 23, 1969, 1155 U.N.T.S. 331, 8 I.L.M. 679.

2. Joost Pauwelyn (2003); p. 25.

3. Gabrielle Marceau (1999); p. 87.

4. Art. 31(3)(c) of the VCLT provides: There shall be taken into account, together with the context:.. (c) any relevant rules of international law in the relationship between the parties.

5. Joost Pauwelyn (2003); pp. 997- 998.

منسوجات سازمان جهانی تجارت درخواست کرد درخصوص مشروعیت اقدامات آرژانتین اظهار نظر کند. با وجود آن که مقررات سازمان جهانی تجارت به اعضا اجازه اعمال اقداماتی درخصوص منسوجات را می‌دهد اما اقدامات آرژانتین را با مقررات سازمان جهانی تجارت منطبق ندانست و در نهایت، اختلاف به رکن حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت ارجاع داده شد و با مصالحه طرفین خاتمه یافت. بدیهی است نهادهای حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت اجازه اجرای مقررات مربوط به موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای را ندارند. در دعوی مرکوسور نهادهای مربوط به حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت وضعیت دولت‌های درگیر در اختلاف را فقط در پرتوی مقررات سازمان جهانی تجارت ارزیابی کرده و اجازه بررسی طبق مقررات موافقت‌نامه مرکوسور را ندارند.^۱ ذکر این نکته لازم است که رویه‌های حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای از نظر ماهیتی با یکدیگر قابل مقایسه نیستند؛ زیرا رویه حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت براساس اصول و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت لازم‌الاجرا است و از ضمانت اجرایی برخوردار است. اما در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای برای حل اختلافات احتمالی به ارائه توصیه‌ها و راهکارها بسنده می‌شود. ضمن آن که معمولاً این راهکارها ضمانت اجرایی لازم را ندارند. با این حال، دور از ذهن نیست که پیش آمدن مواردی از اختلاف موجب تیرگی و حتی برهم خوردن روابط تجاری بین کشورها می‌شود. در کل، شاید بتوان موارد اختلاف را به‌عنوان موانعی در برابر تجارت آزاد و عادلانه تصور کرد که موجب عدم تسهیل تجاری می‌شود. بنابراین، پیش‌بینی راهکارهای حل اختلاف در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای متناسب با رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌تواند راه‌حل مناسبی برای جلوگیری از بروز اختلافات آتی و همسو کردن توصیه‌های موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای با رویه حل اختلاف این سازمان باشد و چه بسا در بلندمدت کشورها را به سمت پذیرش رویه حل اختلافی جهانی و بین‌المللی سوق دهد.

۲-۳. راه‌حل‌های محتمل جهت حل تعارض میان صلاحیت مراجع حل اختلاف

وقتی دو مرجع حل اختلاف به‌طور موازی به دعوی رسیدگی کنند، مشکلاتی به‌وجود

1. Kyung Kwak and Gabrielle Marceau (2002); p. 5.

می‌آید. مثلاً ممکن است دو حکم برای یک دعوا صادر شود و حتی این امکان وجود دارد که آرای صادره متفاوت یا حتی متناقض باشند. در صورتی که اختلافی بین اعضای یک موافقت‌نامه منطقه‌ای تجاری به وجود آید، ابتدا باید بررسی شود که آیا در خود موافقت‌نامه روش حل و فصل اختلاف پیش‌بینی شده یا خیر. بسیاری از موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مرجعی را برای حل اختلاف پیش‌بینی کرده‌اند و صلاحیت این مرجع را اجباری دانسته و فقط در موارد خاصی اجازه ارجاع اختلاف را به نهادهای دیگر داده‌اند. برخی موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای به دولت‌های عضو اختیار دادند تا طبق صلاحدید خود عمل کرده و براساس مصلحت خود اختلاف را یا به مرجع حل و فصل موافقت‌نامه ارجاع دهند یا به رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت. بنابراین، لازم است هر اختلاف به صورت موردی بررسی شود؛ اما به طور کلی اصولی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها در انتخاب مرجع صالح بین موافقت‌نامه و سازمان جهانی تجارت کمک گرفت. این اصول عبارت‌اند از:

الف- نزاکت قضایی^۱

نزاکت قضایی اصلی است که از ساختارهای قانونی ملی (حقوق عمومی کشورها) اقتباس شده است.^۲ از این قاعده در مواردی سود جسته می‌شود که «توجه و احترام نسبت به دیگر حوزه‌های قضایی و یا تفاوت‌های قانونی الزام‌آور می‌شود».^۳ این قاعده، هیأت حل اختلاف را قادر می‌سازد در دیگر ساختارهای حقوقی از رویه‌های قضایی استفاده کنند.

در حالی که «نزاکت قضایی» میان برخی ملل، پیشینه‌ای طولانی دارد، استفاده از این مبنا به‌عنوان یک راهکار عمومی قانونی با مشکلاتی نسبت به ماده (۱-۳۸-ج) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری^۴ همراه است. بسیاری از کشورها بدون وجود یک کنوانسیون، ترتیب اثری به احکام دادگاه‌های خارجی نمی‌دهند.^۵ به‌علاوه هیچ‌گونه یکنواختی و همگنی‌ای میان جوامع گوناگون در مورد اهمیت رویه‌های قضایی خارجی وجود ندارد. همچنین، نزاکت قضایی بیش از آن که یک قانونی در مبانی حقوقی باشد، یک توافق محترمانه میان

1. judicial comity

2. Shany Yuval (2003); p. 260.

3. Shany Yuval (2007); p. 166.

4. Statute of the International Court of Justice (ICJ)

5. Shany Yuval (2003); p. 263.

دادگاه‌ها است.^۱

ب- استناد به مواد (۲۴) گات و (۵) گاتس به عنوان قوانین متقدم^۲

قابل ذکر است موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای به معاهدات بین‌المللی ای اطلاق می‌شود که بین چند کشور همجوار و یا غیرهمجوار تشکیل شده و مطابق آن، اعضا شرایط ویژه‌ای را به صورت متقابل در روابط خود اعمال می‌کنند که شامل حال سایر اعضای سازمان جهانی تجارت که عضو این موافقت‌نامه‌ها نیستند، نمی‌شود.

در حوزه خدمات نیز ماده (۵) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) با عنوان یکپارچگی اقتصادی همانند ماده (۲۴) گات ۱۹۹۴ موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای (که در موافقت‌نامه مزبور به «موافقت‌نامه آزادسازی تجارت خدمات» تعبیر شده است) را مجاز می‌داند، با این تفاوت که به جای استفاده از عبارت «منطقه تجارت آزاد» و یا «اتحادیه گمرکی» از عبارت «یکپارچگی اقتصادی» استفاده می‌کند که بیانگر حوزه شمول گسترده‌تر تجارت خدمات است؛ به طوری که صرفاً محدود به تجارت مرزی نشده و سه شیوه دیگر تجارت خدمات به شرح زیر را نیز شامل می‌شود:

الف) جابه‌جایی مصرف‌کننده خدمات به محل عرضه خدمات (مصرف در خارج)؛

ب) فروش خدمات توسط شرکت‌های تجاری یک عضو در سرزمین عضو دیگر (حضور تجاری)؛

ج) جابه‌جایی موقت عرضه‌کننده خدمات یک عضو به سرزمین عضو دیگر برای ارائه خدمات (جابه‌جایی اشخاص حقیقی).

ماده (۵) موافقت‌نامه خدمات همانند ماده (۲۴) گات ۱۹۹۴ انعقاد موافقت‌نامه‌های

یکپارچگی اقتصادی بین اعضا را به سه شرط زیر منوط می‌کند:

۱. این موافقت‌نامه‌ها باید پوشش بخشی قابل توجهی داشته باشند. این شرط برحسب

تعداد بخش‌ها، حجم تجارت متأثر از موافقت‌نامه و شیوه‌های عرضه، تشخیص داده

می‌شود و برای تحقق این شرط، موافقت‌نامه‌ها نباید از پیش، هیچ شیوه عرضه‌ای را

1. Nikolaos Lavranos (2007); pp. 440, 466.

2. Rules of Primacy

مستثنا کنند.

۲. این موافقت‌نامه‌ها باید عدم وجود یا حذف اساسی همه تبعیضات (که به اقدامات مرتبط با نقض رفتار ملی تعریف می‌شود) بین یا میان طرف‌های موافقت‌نامه در بخش‌های مربوط به تعهدات چندجانبه را از طریق حذف اقدامات تبعیض‌آمیز موجود و یا ممنوعیت اقدامات تبعیض‌آمیزتر یا اقدامات تبعیض‌آمیز جدید در زمان لازم‌الاجرا شدن آن و یا براساس یک چارچوب زمانی معقول، مقرر دارد.

۳. این موافقت‌نامه‌ها نباید منجر به ایجاد موانع تجاری و سرمایه‌گذاری بیش‌تری فراروی طرف‌های ثالث (غیر عضو در موافقت‌نامه یکپارچگی) شوند. به عبارت دیگر، مطابق بند (۴) ماده (۵) موافقت‌نامه خدمات، ایجاد موافقت‌نامه‌های یکپارچگی اقتصادی سطح کلی موانع موجود فراراه تجارت خدمات در بخش‌ها یا زیربخش‌ها را در قیاس با سطحی که قبل از چنین موافقت‌نامه‌ای اعمال می‌شد، افزایش نخواهد داد.^۱ پس از آن‌که هر عضو از اعضای سازمان جهانی تجارت وارد یک ترتیب تجاری منطقه‌ای شده و با شرکای جدید خود رفتار تجاری مطلوب‌تری نسبت به اعضای خارج از آن ترتیبات برقرار کرد، مطابق مقررات سازمان جهانی تجارت از اصول اولیه‌ای نظیر اصل عدم تبعیض مذکور در ماده (۱) گات و ماده (۲) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) فاصله می‌گیرد.

با وجود این، اعضای سازمان جهانی تجارت مجازند در ترتیبات تجاری منطقه‌ای تحت شرایط مندرج در مجموعه مقررات سازمان، در دو حوزه کالا و خدمات به شرح زیر مشارکت کنند:

مطابق ماده (۲۴) گات ۱۹۹۴، اعضای سازمان می‌توانند اتحادیه گمرکی، مناطق تجارت آزاد و موافقت‌نامه‌های موقت ایجاد کنند با این شرط که ترتیبات مزبور، تجارت بین طرف‌های متعاقد را بدون افزایش موانع تجاری فراروی کشور ثالث تسهیل کند.^۲

1. Gabrielle Marceau (1999); p.77.

۲. «نگاهی به موافقت‌نامه تجارت و همکاری ایران و اتحادیه اروپا در پرتوی موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه این اتحادیه با سایر کشورها»، خبرنامه دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۴۷، سال هفتم، خرداد ۱۳۸۲.

همچنین ماده (۵) گاتس به اعضا اجازه می‌دهد عضو ترتیبات منطقه‌ای شده و تجارت خدمات را آزاد کنند؛ زیرا در این موافقت‌نامه‌ها سطح کلی موانع تجاری برای اعضای سازمان جهانی تجارت که عضو این موافقت‌نامه‌ها نیستند، افزایش نمی‌یابد.^۱

ماده (۲۴) گات و شرایط آن برای ایجاد مناطق آزاد تجاری

عنوان این ماده اجرای سرزمینی، دادوستد مرزی و مناطق تجارت آزاد است. بند (۴) ماده مزبور چنین می‌گوید: «طرف‌های متعاقد مطلوبیت افزایش آزادی تجارت به وسیله ایجاد یکپارچگی بیش‌تر از طریق انعقاد داوطلبانه موافقت‌نامه‌هایی میان اقتصاد کشورهای عضو آن موافقت‌نامه را مورد تأیید قرار می‌دهند. آن‌ها همچنین تأیید می‌کنند که هدف اتحادیه گمرکی یا منطقه تجارت آزاد باید نه ایجاد مانع بر سر راه تجارت با دیگر طرف‌های متعاقد، بلکه تسهیل تجارت میان سرزمین‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها باشد.» با توجه به مضمون ماده (۲۴) باید گفت اولاً ایجاد اتحادیه گمرکی و مناطق آزاد تجاری را گات به‌عنوان یک استثنا بر اصل دولت کامل‌الوداد مندرج در ماده (۱) خود پذیرفته است. بنابراین، موافقت‌نامه‌های دیگر ترجیحی مورد تأیید گات نیست. هرچند بعدها مقررات این ماده در عمل به این قبیل موافقت‌نامه‌ها نیز تسری داده شده است. ثانیاً، موافقت‌نامه‌های اتحادیه گمرکی و مناطق آزاد باید تسهیل‌کننده تجارت باشند و نه مانعی بر سر راه تجارت. ثالثاً، این موافقت‌نامه‌ها نباید برای سایر اعضای خود - که عضو سازمان جهانی تجارت هستند - محدودکننده باشد.

اصل دولت کامل‌الوداد قاعده‌ای است که هر کشور عضو موافقت می‌کند در مورد محصول خاص بهترین رفتاری را که نسبت به یکی از آن‌ها دارد، با هریک از شرکای تجاری عضو سازمان جهانی تجارت داشته باشد. در نظام تجاری جهانی فعلی دولت کامل‌الوداد که پایه و اساس اصل عدم تبعیض بین شرکای تجاری را تشکیل می‌دهد در تعارض آشکار با منطقه‌گرایی یا اصل برقراری تبعیض قرار دارد. این ماده که ستون فقرات اصل عدم تبعیض در نظام تجاری چندجانبه را تشکیل می‌دهد از همان آغاز و بر اثر مساعی کشورهای در حال توسعه و دبیرکل وقت آنکتابد که معتقد به رفتار برابر با نابرابرها بودند با استثناهایی مواجه شد و همین استنهاها پایه و اساس رفتار ترجیحی در قبال کشورهای

۱. «ترتیبات منطقه‌ای و نظام تجاری چندجانبه»، خبرنامه دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶۹، سال نهم، فروردین ۱۳۸۴.

در حال توسعه و از آن جمله، انعقاد موافقت‌نامه‌های ترجیحی^۱، مناطق آزاد تجاری^۲، و اتحادیه گمرکی^۳ را فراهم آورد.

لازم به ذکر است اصل دولت کامله‌الوداد کشورها را از اعمال تبعیض در میان کشورهای متفاوت عضو یک موافقت‌نامه برحذر می‌دارد، اما اصل رفتار ملی آن‌ها را از برقراری تبعیض میان محصولات وارداتی و محصولات ساخت داخل منع می‌کند. با این که در موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی از جمله موافقت‌نامه‌های آزاد تجاری^۴ الزامی به رعایت اصل رفتار ملی در مورد کشورهای غیرعضو وجود ندارد و از این بابت مورد تبعیض قرار گرفته و این نحوه عمل در تعارض با نظام تجاری چندجانبه قرار دارد اما معمولاً در خود این موافقت‌نامه‌ها اصل مزبور در مورد اعضای آن رعایت می‌شود.^۵

ج) منع سوءاستفاده از حقوق

مسأله «منع سوءاستفاده از حق» از حقوق شهروندی منشاء گرفته و توسط تعدادی از دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی استفاده شده است.^۶ به اعتقاد شانی به نظریه «منع سوءاستفاده از حق»، احتمالاً به‌عنوان بخشی از مجموعه قوانین جاری بین‌المللی و یا به‌عنوان یک مبنای حقوقی نگریسته می‌شود.^۷ در صورتی که هیچ دادگاه اختصاصی و یابندی مربوط به انتخاب دادگاه در موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای پیش‌بینی نشده باشد، برای خواننده این امکان وجود دارد که به اصل «منع سوءاستفاده از حق» استناد کند.^۸ منظور از این اصل آن است که اگر مواردی از سوءاستفاده از حقوق در قالب سازمان جهانی تجارت رخ دهد که به نوعی حقوق مربوط به موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای را تهدید کند، در قالب هیأت رسیدگی این سازمان، قابل دفاع خواهد بود.^۹

1. Preferential Trade Agreement (PTA)

2. Free Trade Area (FTA)

3. Costume Union (CU)

4. Free Trade Agreement (FTA)

۵. حسن نایب (۱۳۹۰)؛ صص. ۳۳-۳۵.

6. Shany Yuval (2003); p. 257.

7.: United States – Import Prohibitions of Certain Shrimp and Shrimp Products, 158, WT/DS58/AB/R (Oct. 12, 1998).

8. Shany Yuval (2003); p. 260.

9. art. 1 (b) of DSU, art. XXIII of GATT.

جمع‌بندی و ملاحظات

از مزایای شیوه‌های جایگزین دادگاه‌ها در اختلافات بین‌المللی، عواملی چون عدالت اختصاصی، سرعت در رسیدگی، هزینه کمتر، محرمانه و غیر علنی بودن، تخصصی بودن رسیدگی، وجود قواعد مبتنی بر تراضی و محیطی دوستانه، کاهش پرونده‌ها در محاکم و رسیدگی سازمانی (براساس شیوه‌های جایگزین حل اختلاف در مقررات جدید اتاق بازرگانی بین‌المللی) می‌توان نام برد.

به نظر می‌رسد مکانیزم‌های رسیدگی به اختلافات در قالب موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت (وبخصوص موافقت‌نامه گات و اصل کامله‌الوداد و عدم تبعیض) از ارجحیت تام برخوردار بوده و مزایای ثانویه‌ای را نیز برای کشورهای عضو به همراه دارد.

همچنین، طبق رویه طولانی که از ابتدا در گات وجود داشت، ترتیبات ترجیحی و رزروهای خاصی برای کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته وجود دارد که امکانات بیش‌تری برایشان ایجاد می‌کند. این ترتیبات عمدتاً مبتنی بر این ملاحظه است که کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند برای مدت طولانی پیامدهای اقتصادی ناشی از تخلف کشورهای پیشرفته از مقررات سازمان تجارت جهانی را تحمل کنند و منتظر رسیدگی‌های طولانی و پیچیده باشند؛ بنابراین، باید به شکایت آن‌ها سریع‌تر رسیدگی شود. برای کشورهای کم‌تر توسعه یافته امتیازات و ترتیبات ترجیحی وجود دارد و تمام کشورهای عضو گات موظف‌اند در طرح اختلاف علیه کشورهای مذکور صبوری نشان داده و همواره به این نکته توجه کنند که آیا طرح اختلاف و توسل به مکانیسم‌های حل و فصل علیه کشورهای کم‌تر توسعه یافته ابزار مؤثری برای ترغیب و تشویق اهداف اصلی سازمان تجارت جهانی هست یا خیر؟ زیرا اساس مکانیسم حل اختلاف در این جهت طراحی شده که هدف اصلی گات یعنی رقابت آزاد و سالم، تجارت آزاد و تعرفه‌های ترجیحی بهتر به دست آمده و تحقق یابد و استفاده از آن نباید به نقض غرض منتهی شود.

به‌طور کلی، ماده (۲۳) تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات برای قضاوت انحصاری در جریان مکانیزم حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت تدارک دیده شده است. اگرچه، بررسی تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت نشان می‌دهد مذاکره‌کنندگان از تعارضات بالقوه در حوزه‌های قضایی چندان آگاهی نداشته و یا حداقل

آن را چندان ضروری نمی‌دانند که از لحاظ قانونی (در شرایط مندرج مربوط به هیأت داوری)، نسبت به آن صراحت کافی به خرج دهند.

بدیهی است این راه‌حل‌ها نه تنها می‌تواند در فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت و الگوبرداری از سازوکارهای این سازمان بین‌المللی در تدوین فرآیند ملی حل اختلافات بین‌المللی مؤثر باشد، بلکه زمینه‌ساز طراحی رویه‌های حل و فصل اختلافات در موافقت‌نامه‌های آتی ایران نیز خواهد بود.

براساس نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده، احتمال بروز اختلاف میان رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت با رویه‌ها، توصیه‌ها و راهکارهای به کاررفته در انواع موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای دور از ذهن نیست. سؤال اصلی این است که چگونه می‌توان این گونه احتمالات را به حداقل رساند و در صورت پیش‌آمد، آسان‌تر و سریع‌تر آن را حل کرد تا از پیشرفت اختلاف و کاهش روابط تجاری‌ای جلوگیری کرد که به‌عنوان محدودکننده‌های تجارت آزاد عمل می‌کنند.

همان‌طور که گفته شد، رویه حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت لازم‌الاجرا است و ضمانت اجرایی دارد؛ درحالی‌که در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای معمولاً برای حل و فصل اختلافات به ارائه راهکارها و توصیه‌ها بسنده می‌شود. توجه به رویه حل و فصل اختلاف در پیش‌گرفته‌شده در سازمان جهانی تجارت، یکی از راه‌های اساسی جلوگیری از بروز اختلافات آتی است. از آنجا که در حال حاضر بیش از ۱۵۰ کشور جهان عضو این سازمان هستند و با رویه حل اختلاف آن آشنایی دارند، به کارگیری رویه درپیش‌گرفته‌شده سازمان جهانی تجارت در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای موجب کاهش صرف زمان و هزینه مضاعف جهت پیش‌بینی، اجرا و طراحی سیستمی جدید برای حل اختلاف احتمالی در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای شده و پذیرش آن توسط کشورها را آسان‌تر می‌کند. همچنین، در بلندمدت موجب افزایش رسمیت، پذیرش و قبول رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت حتی در میان کشورهای غیر عضو شده و گام مؤثری برای اصلاح هرچه بیش‌تر رویه موجود در سازمان و حرکت به سمت راهکاری بین‌المللی محسوب می‌شود.

با آن‌که رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بر مشورت اعضا متکی است، اما نکته قابل اهمیت این است که مهلت مشخصی برای هر یک از مراحل مشورت، درخواست

و پاسخ تعیین شده است. این مسأله رسیدگی به موضوع مورد اختلاف را تسریع می‌بخشد. در نهایت، در صورتی که اعضا نتوانند اختلاف مورد نظر را با مشورت و مصالحه حل کنند، راهکارها و تمهیدات تلافی‌جویانه اندیشیده می‌شود. توجه به نکته اساسی تعیین مهلت برای هر یک از مراحل رویه حل اختلاف در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای نیز موجب افزایش اعتبار و تأمین ضمانت اجرایی آن می‌شود.



منابع

- ثاقب، حسن (۱۳۸۹)؛ قواعد مبدأ در موافقت‌نامه تجارت آزاد بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ثاقب، حسن (۱۳۹۰)؛ الگوی امکان‌سنجی انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد بین ایران و شرکای تجاری (مطالعه موردی اندونزی)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- حسن‌پور، یوسف (۱۳۸۶)؛ فهرست مقدماتی کالاهای پیشنهادی ایران بر اساس پیش‌نویس پروتکل کاهش تعرفه‌ها در قالب *TPS/OIC*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- دژم‌خوی، غزاله (۱۳۸۵)؛ سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- سازمان جهانی تجارت (۱۳۷۳)؛ اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت؛ نتایج مذاکرات تجاری چندجانبه دور اروگوئه، مترجمان: مسعود طارم‌سری، ماندانا فاضل، حمیدرضا اشرف‌زاده، بهرام مستقیمی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- عابدین، محمدرضا، اخوی، احمد، کمالی اردکانی، مسعود و رحمانی، میترا (۱۳۹۰)؛ «ارزیابی تطبیقی درجه موفقیت یکپارچگی‌های تجاری منطقه‌ای منتخب»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۸.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۴)؛ «ترتیبات منطقه‌ای و نظام تجاری چندجانبه»، خبرنامه دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶۹، سال نهم.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۵)؛ سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- کمالی اردکانی، مسعود و فرزاد مرادپور (۱۳۸۲)؛ «نگاهی به موافقت‌نامه تجارت و همکاری ایران و اتحادیه اروپا در پرتوی موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه این اتحادیه با سایر کشورها»، خبرنامه دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۴۷، سال هفتم.
- Kwak, Kyung and Marceau, Gabrielle (2002); "Overlaps and Conflicts of Jurisdiction between the WTO and RTAs", Conference On Regional Trade Agreements World Trade Organization, 26 April 2002.
- Lavranos, Nikolaos (2007); "Das Rechtsprechungsmonopol des EuGH im Lichte der Proliferation Internationaler Gerichte", *Europarecht*, vol 42, no. 4.

Marceau, Gabrielle (1999); "A Call for Coherence in International Law-Praises for the Prohibition against Clinical Isolation in WTO Dispute Settlement", *Journal of World Trade*, vol.33.

Pauwelyn, Joost (2003); "How to Win a World Trade Organization Dispute Based on Non-World Trade Organization Law? Questions of Jurisdiction and Merits", *Journal of World Trade*, vol. 37, no. 6.

Pauwelyn, Joost (2003), *Conflict of Norms in Public International Law: How WTO Law Relates to other Rules of International Law*, Cambridge, Cambridge University Press.

Yuval, Shany (2003); *The Competing Jurisdictions of International Courts and Tribunals*, Oxford, Oxford University Press.

Yuval, Shany (2007); *Regulating Jurisdictional Relations Between National and International Courts* (International Courts and Tribunals Series, Oxford, Oxford University Press.

اسناد بین‌المللی:

http://www.wto.org/english/tratop_e/region_e/region_e.htm

گزارش گروه مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره تجزیه حقوق بین‌الملل، ر.ک.:

Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, 23-25, U.N. Doc. A/CN.4/L.682 (Apr. 13, 2006).

Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes art. 25.1, Apr. 15, 1994, Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization.

DSU art. 1.2. An example for this exception is art. 11.3 of the Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary Measures.

The Vienna Convention of the Law of Treaties.

The Statute of the International Court of Justice.

United States - Import Prohibitions of Certain Shrimp and Shrimp Products, 158, WT/DS58/AB/R (Oct. 12, 1998).